

متناقض‌نمایی در شعر سنایی

دکتر علیرضا شوهانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

ar.shohani80@gmail.com

غلام حسنی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

gh.hasany@gmail.com

چکیده

متناقض‌نمایی در بلاغت، بیانی است که در ظاهر با خودش در تناقض باشد و بین دو موضوع متناقض، نوعی اتحاد ایجاد کرده باشد؛ اما در اصل دارای حقیقتی است که از راه تفسیر یا تأویل بتوان به آن دست یافت. حکیم سنایی غزنوی، همان‌طور که در ورود مضامین عرفانی، زهدیات و قلندریات به شعر، ابداع غزل‌های مغانه و ایجاد سبک جدید در شعر فارسی، پیشگام است، اولین شاعری است که مفاهیم و تصاویر متناقض‌نما را به مقدار فراوان وارد شعر کرده است. در این پژوهش که اولین تحقیق کامل و مستقل در باره‌ی متناقض‌نمایی در آثار سنایی است، تمام آثار او (حتی آثار منسوب به او) مورد بررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفته و تمام موارد متناقض، استخراج گردیده است، سپس آن مطالب از دیدگاه‌های مختلف، بررسی و تقسیم‌بندی شده است. بیش‌ترین تعداد متناقض‌نماهای سنایی به ترتیب در دیوان، و مثنوی حدیقه و مقدار کمتری در دیگر مثنوی‌های او دیده می‌شود. پارادوکس‌های او بیش‌تر در حوزه‌ی مفاهیم ماورایی و عرفانی است (بیش از ۸۰٪) و درصد کمی از آن‌ها، غیرعرفانی است؛ همچنین بیش‌تر متناقض‌نماهای او در قالب جمله آمده است و درصد کمتری از آن‌ها به شکل ترکیب و عبارت است. از نظر محتوا نیز متناقض‌نماهای او به دو دسته‌ی معنایی و لفظی تقسیم می‌شوند که بیش از ۹۰٪ آن‌ها معنایی و درصد ناچیزی در حوزه‌ی لفظی قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: سنایی، تناقض، متناقض‌نمایی، مفاهیم و تصاویر متناقض

اولین همایش بین‌المللی و سومین ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مقدمه

حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی، یکی از ستارگان درخشان ادب فارسی است که از پس قرن‌ها هم‌چنان می‌درخشد و گذر ایام، نه تنها غبار فراموشی و کهنگی بر او و آثارش نیافشاند، بلکه بیش‌تر بر جلا و تلالؤ آن افزوده است. آن‌چه که در مورد زندگی سنایی تا حدودی قطعی به‌نظر می‌رسد این است که او دو دوره‌ی متفاوت را در زندگی خود گذرانده و تجربه کرده است؛ دوره‌ی اول که شاعری درباری است و مانند اقران خود، اسیر روزمرگی و در یوزگی‌ها و دایره‌ی تنگ ستایش و هجو و هزل است و در این زمینه‌ها نیز هیچ امتیازی بر دیگران ندارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰)؛ اما دوره‌ی دوم، دوره‌ی انقلاب و تحول روحی و آزادی از تعلقات مادی است. «آن انقلاب درونی که پیش پای شاعر را در نیمه‌راه زندگی روشن کرد، هم شیوه‌ی زندگی او را دگرگون نمود و هم سبک سخن او را رنگ دیگر داد» (زرین کوب، ۱۳۸۵). در این دوره است که از شهر و دیار، دل می‌کند و بعد از آشنایی با بزرگان تصوف، قدم به دنیای زیبا و گسترده‌ی عرفان می‌گذارد. او بعد از سال‌ها مجاهدت و مبارزه با خود، به دیار خویش بازمی‌گردد و با خلق آثاری ماندگار، آغازگر دورانی جدید در شعر فارسی می‌شود؛ شعر و به‌ویژه قصیده، در عصر سنایی به اوج شکوفایی خود رسیده بود و سنایی با وارد کردن عرفان به شعر، جان تازه و دوباره‌ای به آن بخشید. او با وارد کردن زهد و مثل به قصیده و مضامین قلندری و مغانه به شعر، مسیر تازه‌ای در شعر فارسی گشود و در ایجاد سبک جدید، تأثیر فراوان گذاشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰).

۲

این دنیای جدید، اگرچه برای او، آرامش به‌همراه آورد، اما چون از یک مکان برتر و ماورای ماده نشان دارد، هنگامی که در سخن او مجال بروز پیدا می‌کند، مانند سخن هر عارف دیگری، سرشار از ابهامات و موضوعات به‌ظاهر متناقض جلوه می‌کند. این تناقض‌ها و تقابل‌ها، به دوگانگی موجود در ذات انسان و اجتماع برمی‌گردد و شخص عارف چون بیش از دیگران، این تضادها را تجربه کرده است، خواه‌ناخواه سخن او رنگ تناقض می‌گیرد. مهم‌ترین تجربه‌ی عارف، مرگ پیش از مرگ است که به هر شکلی بیان شود، در نظر انسان عادی، چیزی از ابهام آن کاسته نمی‌شود.

با مطالعه و بررسی آثار سنایی، متوجه می‌شویم که یکی از ویژگی‌های اصلی سخنش، بیان متناقض اوست که از نظر مقدار و کیفیت، در شعر فارسی، بی‌سابقه است؛ او برای اولین بار و به‌طور گسترده، مضامین و تصاویر متناقض را وارد شعر کرد و با خلق صدها مضمون متناقض‌نما، راهی را در شعر گشود که شاعران بعد از او همان مسیر را طی کردند و در این زمینه، بسیار از او تأثیر پذیرفتند.

پارادوکس در آثار سنایی، بسیار متنوع است. به‌طور کلی می‌توان متناقض‌نماهای سنایی را به دو دسته‌ی عرفانی و غیر عرفانی تقسیم کرد؛ موضوعات عرفانی، حجم وسیعی از تمام پارادوکس‌های او را تشکیل می‌دهد و شامل زهدیات، قلندریات، شطحیات و اشعار عاشقانه می‌شود. هم‌چنین متناقض‌نماهای غیر عرفانی او، موضوعاتی مانند مدح، هجو، انتقاد اجتماعی، مفاخره و... را شامل می‌شود هرچند می‌توان در میان پارادوکس‌های غیر عرفانی او، از عشق زمینی نیز نمونه‌هایی را دید و یا انتقادات او که از زبان یک عارف بیان می‌شود، از زمینه‌ی عرفانی بی‌بهره نیست. در مورد متناقض‌نمایی در شعر سنایی، تاکنون تحقیق کامل و مستقلی انجام نشده است و تنها در حد چند مقاله و از جنبه‌های محدودی به این موضوع پرداخته شده است. در این

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

پژوهش که اولین اثر مستقل و کامل در این زمینه است، تمام آثار سنایی، اعم از دیوان، مثنوی‌های حدیقه‌الحقیقه، سیر العباد الی‌المعاد، کارنامه‌ی بلخ و تحریمه‌القلم و همچنین مثنوی‌های منسوب به او، مانند طریق‌التحقیق، عقل‌نامه، عشق‌نامه و سنایی‌آباد، به‌دقت بررسی شده و بیش از هزار و دویست مورد، کلمات، ترکیبات، عبارات و یا جملات متناقض‌نما، به دست آمده و از دیدگاه‌های مختلف، تقسیم‌بندی شده‌است.

تعریف لغوی و بلاغی متناقض‌نما

متناقض‌نما معادل پارادوکس در بلاغت غرب است. «پارادوکس (paradox) برگرفته از paradoxum در لاتین است که منشا آن هم واژه‌ی یونانی paradoxon است، مرکب از para به معنی مقابل یا متناقض با، و doxa به معنی عقیده و نظر (چناری، ۱۳۷۷).

در زبان فارسی معادل‌های مختلفی برای پارادوکس بیان شده است؛ تناقض ظاهری، بیان نقیضی، ترویج تضاد، تلقیح تضاد، متناقض‌نما، متناقض‌الاجزا، ناسازی هنری و... از جمله‌ی این نام‌ها هستند؛ اما در اصطلاح ادبی یکی از انواع آشنایی‌زدایی و شگردهای برجسته و شگفت‌انگیز ادبی است و آن کلامی ظاهراً متناقض با خود یا مهمل که دو امر متضاد یا ناسازگار را جمع کرده و با باورهای عرفی، عقلی، شرعی و منطق عادی ناسازگار است. در کتاب واژه‌نامه‌ی هنر شاعری از میمنت میرصادقی، در تعریف پارادوکس، چنین آمده است: «در زبان انگلیسی به معنی گفته‌ی مهمل‌نما، متناقض و نیز بیانی است که با عقاید مورد قبول عموم، تضاد دارد و در اصطلاح، کلامی است که در ظاهر، حاوی مفهومی متناقض‌نماست، به طوری که در وهله‌ی اول پوچ و بی‌معنی به نظر می‌آید اما در پشت معنی پوچ ظاهری آن، حقیقتی نهفته است و همان تناقض ظاهری جمله، باعث توجه شنونده یا خواننده و کشف مفهوم زیبایی پنهان در آن می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۶).

اهمیت متناقض‌نمایی و کارکرد هنری آن

یکی از آرایه‌هایی که بر پایه‌ی آشنایی‌زدایی از کلام قرار دارد و باعث غافل‌گیری و اعجاب خواننده می‌شود، متناقض‌نمایی است. «متناقض‌نمایی یکی از بدیع‌ترین و برجسته‌ترین شگردهای شاعری و کلام ادبی است، شگردی سخت زیبا و رندانه» (وحیدیان- کامیار، ۱۳۷۶). متناقض‌نمایی یکی از ترفندهای بسیار مهم در شعر و ادب است و به‌ویژه در نقد نوین آن را از ویژگی‌های اساسی شعر به‌شمار می‌آورند، به طوری که یکی از منتقدان معاصر گفته‌است: «حتی شاعر به‌ظاهر ساده‌گو و صریح، ناگزیر بر اثر ماهیت ابزار کار خود به جانب تناقض رانده می‌شود» (دیچز، ۱۳۶۶) دکتر سروش در مورد متناقض‌نمایی می‌گوید: «این صنعتی حلاوت- بخش است و سرّ حلاوت آن گویی این است که خلاف عرف و منطق است؛ یعنی به‌ظاهر دو امر ناسازگار را در موضوع واحد جمع می‌کند و همین مایه‌ی جذب ذهن و گره خوردن سخن با ضمیر است. گویی غوطه‌وری در امور موافق عرف و منطق، عادت ذهن است و هر عادت مایه‌ی غفلت است و همین که با اموری خلاف عرف مواجه می‌شود، برآشفته و بیدار می‌شود و توجه بیشتری به سخن معطوف می‌دارد» (سروش، ۱۳۶۶).

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

از عواملی که در زیبایی و بلاغت‌افزایی متناقض‌نما نقش دارند، می‌توان به جدید و نوآور بودن، شگفت‌انگیزی، آشنایی‌زدایی، ابهام، دوبعدی بودن، ایجاز و برجسته‌بودن لفظ و معنی اشاره کرد (احمدگلی و سردارباقر، ۱۳۸۷). می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متناقض‌نماها، موجز و خلاصه بودن تصاویر، همراه با توانایی قابل توجه در بیان مفاهیم است؛ یعنی در حالی که ایجاز دارد، دارای اطنابی نهفته هم هست و به‌عبارتی خود این ویژگی هم متناقض است. در پایان این مبحث می‌توان ارزش و اهمیت هنری متناقض‌نمایی را چنین بیان کرد: «متناقض‌نما و بیان نقیضی در مجموعه‌ی بلاغت و بدیع شعر فارسی، عالی‌ترین و هنری‌ترین حد طباق و تضاد است و عبارت است از ایجاد پیوند بین دو مفهوم متناقض که در ظاهر، ترکیب و عبارت و جمله‌ای بی‌معنی می‌سازد اما در اصل، معنی‌ی عالی است؛ این پیوند بین دو واژه و مفهوم متناقض را عقل و منطق رد می‌کند اما احساس و عاطفه می‌پذیرد و همین باعث تعجب و شگفتی و اقناع حس زیبایی‌شناسی مخاطب و تهییج او می‌شود» (مرتضایی، ۱۳۸۵).

سنایی، پیشگام استفاده از مضامین متناقض‌نما

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، مهم‌ترین ویژگی عرفان، زبان متناقض آن است و به همین دلیل، سنایی هم‌زمان با آوردن مضامین عرفانی، عبارات و مفاهیم متناقض را نیز به میزان فراوان وارد شعر کرد. هر چند قبل از سنایی، مفاهیم و تصاویر متناقض به صورت ابتدایی و کم‌تعداد در شعر فارسی دیده می‌شود اما تمام کسانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، اتفاق نظر دارند که سنایی اولین کسی است که پارادوکس را به‌صورت گسترده وارد شعر فارسی کرده است. دکتر شفیع کدکنی در این زمینه می‌گوید: «تصاویر پارادوکسی به معنی دقیق کلمه با سنایی و اشعار مغانه‌ی او آغاز می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵). همچنین دکتر فضیلت معتقد است: «سنایی اولین کسی است که پارادوکس‌های عارفانه را به‌وفور به کار برده است» (فضیلت، ۱۳۹۲)؛ و می‌توان گفت که مقدار و کیفیت مضامین متناقض در شعر او، اعجاب‌آور است و بیان‌گر یکی دیگر از جنبه‌های شخصیت چند بعدی اوست. بهترین دلیل بر این مدعا، میزان مفاهیم متناقض‌نما در اشعار اونسبت به دوره‌ی قبل است (بیش از ۱۲۰۰ مورد) و نیز موضوع آن‌ها که غالباً (بیش از ۸۰٪) در زمینه‌ی عرفان است. همچنین وجود مفاهیم و تصاویر متناقض بسیار در آثار او که قبل از وی در شعر هیچ شاعری دیده نشده است، اثبات می‌کند که او پیشگام دیگران در به‌کارگیری و گسترش این‌گونه مضامین بوده است.

سنایی، مبتکر بسیاری از مضامین و تصاویر متناقض در شعر فارسی

با بررسی اشعار سنایی متوجه می‌شویم بسیاری از مفاهیم متناقضی که به کار برده‌است ساخته‌ی ذهن خود او است و قبل از او کسی آن‌ها را به کار نبرده‌است؛ تصاویر و عباراتی از قبیل: برگ بی‌برگی، رنگ بی‌رنگی، خاموش گویا، گویای خاموش، هوشیار از باده، مست هشیار، خفته‌ی بیدار، بیدار خفته، درد بی‌دردی، شرم بی‌شرمی، گوینده‌ی نهان‌سخن، آتش‌نشان بی‌آب، آب آتش‌بار، آب آتش‌فروز، آتش آب‌زا، خنده‌گریستن، گریه‌خندیدن، بی‌لب و دندان خندیدن، مفتیان جهل و موارد بسیار دیگری که در آثار سنایی بارها به کار رفته‌اند.

متناقض‌نمایی، ویژگی سبکی سنایی

در این پژوهش و با بررسی تمام آثار سنایی (شامل دیوان اشعار، حدیقه، سیرالعباد، عقل‌نامه، عشق‌نامه، تحریمه‌القلم، طریق-التحقیق، سنایی‌آباد، کارنامه‌ی بلخ) بیش از ۱۲۰۰ مورد مضامین و تصاویر متناقض، ثبت و شمارش شده است که هم از نظر تعداد و هم مضمون و تا قرن‌ها پس از او در ادب فارسی بی‌سابقه است. در تمام آثار او، این مضامین وجود دارد؛ بیشترین تعداد در دیوان با ۶۳۶ مورد، سپس مثنوی حدیقه با ۴۱۰ مورد دیده می‌شود. با توجه به این‌که بسیاری از مضامین متناقض اشعار سنایی، ساخته‌ی خود اوست و این مضامین در تمام آثار او وجود دارد، می‌توان گفت که متناقض‌نمایی، ویژگی سبکی سنایی است.

موضوعات اصلی متناقض‌نماهای سنایی

سنایی در زمینه‌های مختلف و متنوعی از کلام متناقض استفاده کرده است به طوری که طیف وسیعی از مسائل را دربرمی‌گیرد. در اینجا مهم‌ترین بن‌مایه‌ها و موضوعات متناقض‌نماهای او را همراه با مثال‌هایی می‌آوریم:

۱- عرفان

موضوعات عرفانی، مهم‌ترین و بیش‌ترین بخش (بیش از ۸۰٪) از متناقض‌نماهای سنایی را تشکیل می‌دهد. از آن‌جا که عرفان یک موضوع کلی و وسیع است، می‌توان در درون آن، موارد زیر را نشان داد:

۱-۱- مرگ

موضوع مرگ و مفاهیم نزدیک به آن مثل مردن پیش از مردن، از خود فانی شدن، از خود بیرون آمدن، از مرگ زندگی یافتن، خودی خود را از میان برداشتن، در نیستی دم زدن و... از زمینه‌های اصلی سخنان متناقض سنایی است و در تعداد زیادی از اشعار او به کار رفته است.

کشته‌ی حق شو تا زنده بمانی و نه با چنین بندگی‌ات جای تو جز میدان نیست
(دیوان/ص ۹۷، ب ۱۱)

۱-۲- مبارزه با نفس

یکی دیگر از زمینه‌های اصلی متناقض‌نماهای سنایی، مبارزه با نفس است که در مضامینی مانند با خود مبارزه کردن، نفس را کشتن، نفس را از خود دور کردن، طلاق دادن تن، از خود بیزار شدن، عدوی خود بودن و... نمود یافته است.

بخ بخ آن‌کس که نفس را دارد خوار و در پیش خویش نگذارد
(حدیقه/ص ۸۱، ب ۱۱)

۱-۳- تجرید

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

یکی از زمینه‌های سخنان متناقض سنایی، بر پایه‌ی تجرید یا اتحاد متکلم و مخاطب است. «تجرید یا خود دیگر انگاری، نوعی پارادوکس روانی-کرداری است که در آن سخنور، خویش را کس دیگری می‌پندارد و با این خویش دیگرانگاشته یا درباره‌ی آن به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی با دیگری یا درباره‌ی دیگری سخن می‌گوید» (راستگو، ۱۳۸۲). البته تعریف تجرید در عرفان با تعریف آن در بلاغت، تفاوت دارد؛ در کتاب مصباح‌الهدایه در مورد اصطلاح تجرید چنین آمده است: «مراد از تجرید، ترک اعراض دنیوی است ظاهراً و نفی اعراض اخروی و دنیوی است باطناً» (کاشانی، ۱۳۸۱) باور به وجود من برتر یا «فرامن»، بنیاد اندیشه‌ی تجرید را در نظر عرفا تشکیل می‌دهد. «تجرید نخستین گام رسیدن به سطح عالی عرفان است و همین گام تا وحدت عارف با خدا پیش می‌رود» (فولادی، ۱۳۷۸). مثال از دیوان سنایی:

می‌چنان ده مر سنایی را که بستانیش از او تا سنایی بی‌سنایی بو که دستی وا زند

(دیوان/ص ۱۵۷، ب ۱۶)

۲- آداب سیر و سلوک

سنایی مانند هر عارف دیگری می‌کوشد حاصل تجربه‌هایش را به دیگران آموزش دهد و هنر بزرگ او، استفاده از زبان شعر است. در آثار سنایی و به‌ویژه مثنوی‌هایش، نکات خاص و دستورات عملی برای اصحاب سلوک و در قالب کلام متناقض، بیان شده است:

ذکر او از زبان بسته طلب معرفت دردل شکسته طلب
(طریق‌التحقیق/ص ۹۱۳، ب ۸)

۳- توصیف مراحل عرفان و حالات عرفا، اولیا و بزرگان دین

در اشعار سنایی، مصطلحات عرفانی و نام‌گذاری‌های خاص مراحل عرفان - البته بدون رعایت ترتیبی که در آثار دیگر عرفا نظیر عطار هست - فراوان آمده است، همچنین سرگذشت و حالات اولیا و بزرگان تصوف بارها و با استفاده از بیان نقیضی به کار رفته است. در ابیات زیر اصطلاحات و مراحل عرفان را بیان کرده است:

صورت جان رانه کافرنه مسلمان داشت کوکمال حیرتی تا مرتورا رخصت بود
(همان/ص ۴۶۴، ب ۶)

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

دوستانش در فنای دهر دورند از فنا

(همان/ص ۷۳۸، ب ۴)

دوستانش در فنای دهر دورند از فنا

یا در این ابیات، عارفان و دوستان حق را چنین وصف می کند:

غم گننانند و باغمش شادند

پا پس افتادگان در پیشند

(سنایی آباد/ص ۶۲، ب ۴ و ۵)

بنندگانند، لیک آزادند

کمترانند و از همه بیشند

۴- قلندریات

«واژه ی قلندر به مکانی اطلاق می شود که افراد ساکن در آن، از لحاظ بی پروایی نسبت به زیر پای نهادن عرف و عادات رایج در جامعه، معیارهای ارزشی شریعت در نگاه عادی مردمان و نیز رسوم ظاهری آن در جایگاهی ویژه قرار داشته اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸). اصطلاحات قلندری همچون می، رند، قلندر، مقامر و... در شعر سنایی فراوان است و در واقع او اولین کسی است که پای این واژگان که در بین مردم دارای بار منفی هستند، به شعر باز کرد و آن ها را در خدمت عرفان به کار گرفت. سنایی از این واژه ها چنان هنرمندانه استفاده کرده است که در ادب فارسی، به شکل نماد درآمده اند و بار مثبت پیدا کرده اند. دکتر شفیی که بیشترین تحقیقات را در مورد شعر قلندری دارد ضمن این که سنایی را پیشرو این نوع شعر دانسته، شعر قلندری را نفی ارزش های شناخته شده و زیر پا گذاشتن تمام عرفیات می داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲). بیشترین نمود اصطلاحات قلندری در غزل های سنایی است؛ «غزل های قلندری و مغانه ی او در رده ی بالای این نوع شعر فارسی قرار دارد. حتی به لحاظ بعضی ویژگی های صوری و بلند پروازی های خیال در حدی است که بزرگان بعد از او، بهتر از او و بلندتر از او پرواز نمی کنند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰). به عنوان نمونه، تعدادی از قلندریات او را که در قالب متناقض نما بیان شده اند، می آوریم:

نفی مرا شاهد اثبات کرد

با دف و طنبور مناجات کرد

(دیوان/ص ۱۲۸، ب ۱۵ و ۱۶)

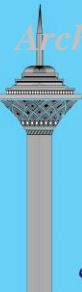
ایزد در فردوس بر او برگشاید

(همان/ص ۱۷۸، ب ۱۲)

تا بت من قصد خرابات کرد

با قدح و بلبله تسبیح کرد

هرکو بگشاید در میخانه به من بر



۵- شطحیات

قبل از سنایی، نمونه‌های زیادی از شطحیات در ادب عرفانی وجود دارد؛ جملاتی نظیر «سبحانی ما اعظم شأنی» از بایزید بسطامی، «آیس فی جبتی سوی...» از ابوسعید ابوالخیر و عبارت معروف «انا الحق» از حلاج و بسیاری دیگر از جملات شطح‌آمیز و متناقض، شطح را به یکی از ویژگی‌های سخنان عرفا تبدیل کرده است. سنایی نیز در اشعارش از سخنان شطح‌آمیز استفاده کرده است، به‌خصوص نوعی غزل قلندری و مغانه که از مضامین و مفاهیم وسیع مبتنی بر شطح برخوردار است. با بررسی شطحیات سنایی می‌توان دلایل شطح‌گویی او را از خود بی‌خود شدن، از خود تهی شدن و رهایی از اوصاف بشری دانست. سنایی در زمینه‌های مختلفی مانند وحدت وجود، قلب عاشق و معشوق، تناقض‌گرایی یا پارادوکس، دفاع از ابلیس، برتری عشق بر عقل، گفتگو با پیر و یک‌سان‌پنداری کفر و ایمان، از شطح استفاده کرده است (مدرسی و لاوژه، ۱۳۸۸). البته به غیر از یک شطح معروف در دفاع از ابلیس، شطحیات او معتدل و معمولی است:

قوت عشق او به‌غایت نیست
هر که را کفر، چون هدایت نیست
(دیوان/ص ۸۲۶، ب ۹ و ۱۱)

هر که عاشق شناسد از معشوق
به هدایت نیامده‌ست از کفر

در کام دلم زهری ناکام نهادستی
(همان/ص ۱۰۲۴، ب ۴)

تا مسند کفر اندر اسلام نهادستی

۶- مضامین دینی و اخلاقی

مضامین دینی و اخلاقی (زهد، توکل، قناعت، مذمت دنیاو...) بخش بزرگی از متناقض‌نماهای سنایی را تشکیل می‌دهد. این مضامین در آثار سنایی، با موضوعات عرفانی، مرز نزدیک و مشترکی دارند و می‌توان آن‌ها را در یک مجموعه آورد اما در این پژوهش، به علت گستردگی، به صورت مجزاً بررسی شده‌اند. مضامین اخلاقی سنایی که در قصاید و مثنوی حدیقه بیشتر نمود دارند، جزء ادبیات تعلیمی محسوب می‌شوند. «بسیاری از اشعار سنایی در زمره ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرد. تعلیم، به‌ویژه آن‌جا که مبتنی بر پند و اندرز است، با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها همراه است. این بایدها و نبایدها، تقابلهایی کلی و همه‌پذیرند که گاه شاعر برای وضوح مطلب، این امور متقابل را به کار می‌گیرد تا بتواند هنجارها و ناهنجارها را به مخاطب گوشزد و از این راه، وی را به سمت و سوی درستی هدایت کند. این است که بخشی از تقابلهای و تضادهای شعر سنایی با هدف تعلیمی وی هم‌سو است» (چهری و دیگران، ۱۳۹۲). مضامین دینی و اخلاقی در اشعار سنایی، از درد دین آغاز می‌شود و به مذمت دنیا، توصیه به قناعت و پرهیز از طمع می‌انجامد و البته از تشویق مردم به مدارا و نکوهش بدعهدی و حتی نهی از خندیدن بسیار، غافل نیست:

۸

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

نوش او نیش و مهر او کین است
(طریق التحقیق/ص ۱۰۱، ب ۱۲)

صد هزاران گدای بار خدای
(حدیقه/ص ۲۶۶، ب ۳)

کهنه نو تو را ز ننگ طمع
(همان/ص ۵۳۸، ب ۵)

تا جهان است کار او این است

باز دارد قناعت اندر جای

باز دارد به خاصه بهر ورع

۷- عشق

تصوّف سنایی را تلفیقی از تصوّف عاشقانه و عابدانه دانسته اند. آن جا که از عشق سخن می گوید زیباترین تعبیرها را در مورد آن به کار می برد. او به مانند بیشتر عرفا معتقد است که سالک ابتدا باید با پیمودن جاده ی شریعت و انجام دستورات شرع، مقدمات سلوک را طی کند و سپس با بال عشق به حریم معشوق پرواز کند. البته سنایی در آثارش علاوه بر عشق معنوی، از عشق مجازی نیز سخن گفته است و در هردو زمینه، از بیان متناقض نما سود برده است. مثلاً در فصلی از باب پنجم حدیقه با نام «فی الذکر العشق و الفضیله» با استفاده از بیان نقیضی، عشق را به زیبایی چنین توصیف کرده است:

زان که داند که سر بود غماز
عشق، پوشیده ی برهنه تن است
آتش آبسوز، عشق آمد
(حدیقه/ص ۲۳۱، ب ۱۲، ۱۴ و ۱۶)

عشق با سر بریده گوید راز
عشق، گوینده ی نهان سخن است
آب آتش فرورز، عشق آمد

البته عشق های معمولی و نازل را نیز می توان در آثارش یافت:

کز خون یکی عاشق، حالی اثری نیست
(دیوان/ص ۱۰۰، ب ۲)

ناخورده شراب چون شود مست

(همان/ص ۸۱۶، ب ۳)

کشتند در این را بسی عاشق بی تیغ

اندر عجبم که چشم آن ماه

۸- انتقاد اجتماعی

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

سنایی در انتقاد از اوضاع زمانه و اجتماع نیز مانند زمینه های دیگر، پیشگام است. شاید بتوان در زمینه ی انتقاد اجتماعی، قبل از او از ناصر خسرو نام برد اما دنیای سنایی و فکر و ذهن او کاملاً با منظومه ی فکری ناصر خسرو فرق دارد. سنایی در آثارش، به دور از هرگونه خودستایی و به مانند یک مصلح اجتماعی، کژی ها و ناراستی های جامعه را می نمایاند؛ «سنایی انتقاد را از خود شروع می کند و نخستین ضربه ها را بر خویش می نوازد و آن گاه بر یک یک عناصر جامعه ای که در آن زندگی می کند از کسبه و ترازوداران تا صوفیان و علمای دین تا قضا و دولت مردان تا سلاطین و حکام و در این هجوم از هیچ چیز باک ندارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰). سنایی شدیدترین و گزنده ترین انتقادها را نسبت به صوفیه دارد؛ ریاکاری، غرور، جاه طلبی، شطح و طامات، شاهدبازی و شکم بارگی از آفاتی بود که صوفیان در عصر سنایی به آن دچار بودند.

از برون پاک و از درون ناپاک
کیست این؟ هست صوفی چالاک
(حدیقه/ص ۲۸۸، ب ۱۴)

صوفیان را زیی رانند کام
قبله شان شاهد و شمع و شکم است
(دیوان/ص ۸۲، ب ۹)

افشار دیگر اجتماع، نظیر ثروتمندان، صاحبان قدرت و عالمان دینی نیز از تیغ انتقاد او در امان نیستند:

مال داران توانگر کیسه ی درویش دل
در جفا درویش را از غم توانگر کرده اند
(همان/ص ۱۴۹، ب ۴)

زین یکی ناصرعبادا... خلقی ترت و مرت
وز دگر حافظ عبادا... جهانی تارومار
(همان/ص ۱۸۴، ب ۱)

لاهی دعوی ز کوه که دروغان نیست کن
آفت فتوی دین بر مفتیان جهل بار
(همان/ص ۲۱۹، ب ۳)

عوامل و دلایل شکل گیری و گسترش پارادوکس در شعر سنایی

۱- زبان شعر

اصولاً زبان شعر، زبان تناقض است. شاعر برای بیان مقصود مورد نظر سعی می کند که با کمک شگردهایی مانند آشنایی زدایی و خلاف آمد، از تعبیری استفاده کند که برای خواننده تازگی داشته باشد. «تناقض، زبان مناسب و اجتناب ناپذیر برای شعر است. این عالم است که حقایق مورد نظر او محتاج بررسی پیراسته از هر تناقض است اما ظاهراً به حقیقتی که شاعر بیان می کند می توان فقط از طریق تناقض دست یافت. تناقضات از اصل ماهیت زبان شعر ناشی می شود، حتی شاعر به ظاهر ساده گو و صریح ناگزیر در اثر ماهیت ابزار کار خود به جانب تناقض رانده می شود» (دیچز، ۱۳۶۶).

۲- تکامل ادبیات

در دوره اول شعر فارسی، تصاویر و مضامین، ساده و به طبیعت نزدیک تر است و از هرگونه پیچیدگی و تناقض خالی است اما همزمان با تکامل ادبیات از سطح و سادگی به ژرفایی، مضامین پارادوکسی، بیش از پیش در شعر نمود پیدا می کند. «تحول تکاملی ادبیات از سادگی به ژرفایی و توجه به نکته پردازی و توجه انگیزی نیز عامل دیگری است در رواج و گسترش خلاف آمد و پارادوکس؛ هر چند این نیز به جای خود تا حدی می تواند اثر پذیرفته از عرفان و تصوف باشد، زیرا بینش های عرفانی در لطافت ذوق و ظرافت ذهن و در نتیجه روشن بینی و نکته پردازی، تأثیر انکارنکردنی دارند» (راستگو، ۱۳۶۸).

۳- محدودیت حوزه کارایی زبان

مسائل عرفانی و فراعقلی، مربوط به ماورای جهان ماده است و کاربرد زبان انسان تنها در دنیای جسمانی است؛ بنابراین مشخص است که زبان انسان با آن همه تنگناها و محدودیتها، گنجایش و ظرفیت بیان حالات مربوط به عالم جان را ندارد و نتیجه ای آن، استفاده ی شاعر از بیان متناقض برای رساندن مفهوم است.

۴- بیان مسائل عرفانی و فراعقلی

مهم ترین علت استفاده ی سنایی از مضامین پارادوکسی، بیان حالات عرفانی و فراعقلی و عرفی و همچنین زهدیات و تعالیم عارفانه است. مفاهیمی از قبیل مرگ پیش از مرگ، از مردن زندگی یافتن، عشق، فنا، سُکر، وحدت وجود و... از جمله مضمون های متناقض نماهای سنایی است.

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا / قدم زین هردو بیرون نه، نه اینجاباش نه آن جا

(دیوان/ص ۵۱، ب ۹)

۵- بیان مسائل عاشقانه

سنایی بعد از مسائل عارفانه، بیشترین استفاده را از بیان متناقض برای ارائه ی مضامین عاشقانه داشته است. البته قبل از این گفته شد که او در آثارش هم به عشق آسمانی نظر دارد و هم زمینی. در اشعار او ترکیبات و تعبیر متناقض در مورد عشق از قبیل: گوینده ی نهان سخن، پوشیده ی برهنه تن، آب آتش فروز، آتش آب سوز، آتش نشان بی آب و... زیاد دیده می شود.

وجود عشق عاشق را، وجود اندر عدم سازد / حقیقت نیست آن عشقی که برهستی رقم سازد
نسازد عشق رنگ از هیچ رویی بهرمخلوقی / که رنگ عشق بی رنگی، وجود اندر عدم سازد

(همان/ص ۱۳۹، ب ۷ و ۶)

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

کزخون یکی عاشق، حالی اثری نیست
(دیوان/ص ۱۰۰، ب ۲)

عشق، پوشیده‌ی برهنه تن است
آتش آب سوز، عشق آمد

(حدیقه/ص ۲۳۱، ب ۱۴ و ۱۶)

کشند در این راه بسی عاشق، بی تیغ

عشق، گوینده‌ی نهان سخن است
آب آتش فرورز، عشق آمد

۶-وضع سیاسی-اجتماعی روزگار

۱۲
اوضاع سیاسی-اجتماعی عصرسنایی، در تاریخ ایران از جهاتی نسبت به دوره‌های دیگر متمایز است؛ از بین رفتن حکومت‌های ایرانی همچون ساسانیان و غلبه‌ی ترکان غزنوی و سلجوقی و در نتیجه تضعیف هویت ایرانیان، گسترش تعصبات مذهبی، به حاشیه رفتن تعقل و فلسفه، گسترش بی‌سابقه‌ی عرفان و نیز انحطاط اخلاقی جامعه از ویژگی‌های عصر سنایی است. «سنایی در ضمن اشعار خود بارها و بارها از رواج نفاق، ریاکاری و فساد، در سطوح مختلف جامعه‌ی دینی خبر داده و مسلمانان را به دوباره مسلمان شدن فراخوانده و فریاد برآورده که: از این آیین بی‌دینان پشیمانی پشیمانی» (زرکانی، ۱۳۸۵). این اوضاع نابسامان در شعر سنایی به‌خوبی نمایان است به‌طوری‌که می‌توان بر اساس اشعار او، نموداری از جامعه‌ی روزگار وی ترسیم کرد. انتقاد از ریاکاری، زاهدنمایی، جهل و وجود افراد سفله در رأس حکومت‌ها، سنایی را واداشته است تا با استفاده از بیان تناقض‌آمیز، از ناهنجاری‌ها انتقاد کند و به یکی از منتقدین اجتماعی عصر خود تبدیل شود.

وین چه دوراست این که سرمستند هشیاران همه

(دیوان/ص ۵۹۶، ب ۶)

از این آیین بی‌دینان، پشیمانی پشیمانی

(همان/ص ۶۷۸، ب ۱)

اندین وقت همه بی‌سنگان

(همان/ص ۱۰۸۷، ب ۲)

بازشکلان ولیک موش شکار

(حدیقه/ص ۴۸۵، ب ۳)

این چه قرن است این که درخوابند هشیاران همه

مسلمانان مسلمانان، مسلمانان مسلمانان

روزگاری است که کان هنرنند

پارسا صورتان مفسد کار

۷- تأثیر گرفتن از فرهنگ عامه

از دیگر دلایل انتخاب بیان متناقض در آثار سنایی، تأثیرپذیری از فرهنگ عامه است. فرهنگ عامه شامل ضرب المثل کنایات و باورهای عامیانه است که خود گاهی دارای ساختار نقیضی هستند. سنایی از جمله شاعرانی است که فرهنگ عامه در آثار او به خوبی نمود دارد و می‌توان گفت آثار سنایی منبعی بسیار غنی برای تحقیق در فرهنگ مردم گذشته، شامل انواع ضرب المثل‌ها، کنایات، باورها و آداب و رسوم آن‌هاست؛

نمونه‌هایی از اشعار سنایی:

برکه خندد بس خضر، چون باشما بیند همی گورکن در بحر و کشتی در بیابان داشتن

(دیوان /ص ۴۶۵، ب ۷)

باچهره‌ی آن نگار خندان ای گل بیرون نبری زیره به کرمان ای گل

(همان /ص ۱۱۵۱، ب ۱۳)

یا در چندجا به کلمات یا اصطلاحات عامیانه‌ای مانند بنگ و افیون، اشاره کرده است:

بنگ و افیون شود از بوی توسرمایه‌ی عقل گردران کوی توباشی بودافیون یابنگ

(دیوان /ص ۳۴۱، ب ۹)

یا در این بیت، باور عامه در مورد سمی بودن الماس آمده است:

به ناف آهو اگرمشک خون شود چه عجب به کامت الماس ارشهد گشت هم شاید

(همان /ص ۱۰۷۰، ب ۵)

البته متقابلاً سنایی نیز بر فرهنگ عامه تأثیر گذاشته است و بعضی اشعار او حالت مثل سایر به خود گرفته است:

برگ بی‌برگی نداری لاف درویشی مزن رخ چو عیاران نداری، جان چونامردان مکن

(همان /ص ۴۹۱، ب ۷)

۸- تأثیر گرفتن از اندیشه‌های ملامتی و قلندری

قبل از سنایی، اندیشه‌های ملامتی و قلندری در عرفان اسلامی رایج بود اما این سنایی بود که این نوع تفکر را به شعر فارسی وارد کرد و این مضامین را در قالب غزل عرفانی یا قلندری ارائه داد. «ابداع غزل ملامتی_قلندری هم امکانات زبانی فوق العاده‌ای را برای شعر فارسی به ارمغان آورد و شاعران را به منبع انرژی رهنمون شد که تا قرن‌ها بعد، شعرشان از آن تغذیه کرد و هم

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

علاوه بر آن کارکردی جدید برای شعر فارسی پدید آورد که تا پیش از سنایی مغفول مانده بود و آن کارکرد انتقادی_اجتماعی شعر است» (زرقانی، ۱۳۸۵).

ملاطیّه گروهی بودند که برای رهایی از ریا و کبر، عامدانه خود را در مضان اتهام قرار می‌دادند تا مورد سرزنش مردم قرار گیرند و به این وسیله باطن خود را تصفیه کنند. البته کارکرد این تفکر، تنها اصلاح شخص بود اما سنایی این تفکر را علاوه بر آن مقصود، برای اصلاح جامعه نیز به کار برد. او با ابداع و به‌کارگیری بسیاری از اصطلاحات ملامتی و قلندری که ذاتاً خلاف آمد و متناقض هستند، دست به یک مبارزه‌ی منفی زد و مسخ شدن و وارونه شدن ارزش‌های دینی را به مردم یادآور شد. «صوفیان راه خروج از بن‌بستی را که زهد تقریباً به‌طور اجتناب‌ناپذیر به آن می‌انجامد، یعنی ریا کاری، در نیروی تطهیرکننده‌ی انتقاد از خویشتن جستجو کرده‌اند. همان‌طور که هجویری گفته است: ملامت را اندر خلوص محبت تأثیری عظیم است، جوهره‌ی آموزه‌ی ملامت این است که عارف باید بکوشد که در برابر قضاوت مثبت و یا منفی دیگران نسبت به رفتار خود کاملاً بی‌اعتنا باشد» (دوبروین، ۱۳۷۵). افراط در عمل به اصل ملامت به اباحی‌گری منجر می‌شود و نتایج افراطی این دیدگاه، قلندریّه نامیده می‌شود.

نفی مرا شاهد اثبات کرد
بادف و طنبور مناجات کرد
(همان/۱۲۸، ب۱۵ و ۱۶)

تا بت من قصد خرابات کرد
باقدح و بلبله تسبیح کرد

ایزد در فردوس به او بر بگشاید
(همان/ص ۱۷۸، ب ۱۲)

هرکو بگشاید در میخانه به من بر

۹- شخصیت سنایی

یکی دیگر از دلایل استفاده‌ی سنایی از بیان متناقض، به شخصیت عجیب و پیچیده‌ی او برمی‌گردد. سرگذشت و زندگی او دارای فراز و نشیب و ابهامات زیادی است؛ از دلبر قصاب گرفته تا دیوانه‌ی لای‌خوار. در شعر او هم از مدح و هجو و درپوزگی برای به‌دست آوردن مال هست وهم زیباترین احساسات عارفانه و زاهدانه. از طرف دیگر، هم شعر متوسط و معمولی دارد و هم از جنبه‌های مختلف، چنان تأثیری در ادب فارسی داشته است که شعر فارسی را به دوره‌ی قبل از سنایی و بعد از سنایی تقسیم می‌کنند. بیش‌تر پژوهش‌گران معتقدند که سنایی شخصیتی چند بعدی داشته است؛ بعضی براین عقیده‌اند که وجود جنبه‌های مختلف در شعر او، به دوره‌های مختلف زندگی او برمی‌گردد و برای توجیه این نظر، داستان دیوانه‌ی لای‌خوار را مثال آورده‌اند؛ اما دکتر شفیعی کدکنیدر کتاب تازیانه‌های سلوک، عقیده دارد که سنایی سه شخصیت متفاوت داشته است؛

۱- سنایی مدّاح و هجاگو (قطب تاریک وجود او)

۲- سنایی واعظ و ناقد اجتماعی (مدار خاکستری وجود او)

۳- سنایی قلندر و عاشق (قطب روشن وجود او)

و تا آخر عمر گرفتار این سه حالت بوده است و چون قُدا نمی‌توانسته‌اند مبانی پیچیده‌ی روان‌شناسی این تضاد را تحلیل کنند، دست به جعل افسانه‌هایی زده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰).

انواع متناقض‌نما از نظر ظاهر

در شعر سنایی می‌توان متناقض‌نماها را از نظر ساختمان و شکل ظاهری، به انواع زیر تقسیم کرد:

۱- متناقض‌نماهای ساخته شده از یک کلمه‌ی مرکب

سنایی، در چند جا کلمات مرکبی مانند بی‌خود، هیچ‌کس، آتش‌آشام، آب‌کوب، بادپیما و خراب‌آباد را به کار برده است:

خاک‌پاشان آتش‌آشامان آب‌کوبان بادپیمایان
(حدیقه/ص ۱۲۴، ب ۱۹)

۱۵

در مجموع ۱۵ کلمه‌ی مرکب متناقض، در آثار سنایی آمده است که ۱٪ درصد متناقض‌نماهای او را تشکیل می‌دهد.

۲- متناقض‌نماهای ساخته شده از یک ترکیب (اکسی مُرن یا بیان نقیضی)

بیش از ۱۳۲ مورد از متناقض‌نماهای سنایی به شکل ترکیب هستند که ۱۱٪ درصد تمام متناقض‌های او را شامل می‌شود. این ترکیب‌ها به دو صورت ترکیب وصفی (موصوف+صفت) و ترکیب اضافی (مضاف+مضاف‌الیه) دیده می‌شوند.

الف- ترکیب وصفی

بیش از ۱۱۰ مورد از ترکیبات متناقض سنایی، یعنی ۸۳٪ درصد ترکیب‌های او، ترکیب وصفی هستند. در موارد متعددی، ترکیبات وصفی مانند گویای ناگویا، آتشِ آب‌خوار، دردِ بی‌دردی، برگِ بی‌برگی، رنگِ بی‌رنگی و... در شعر سنایی به کار رفته است. این نوع ترکیب‌ها ۹٪ کل متناقض‌نماهای او را در بر می‌گیرد.

جهان هزمان همی گوید که دل در ما نبندی به تو خود می‌پند ننیوشی از این گویای ناگویا

(دیوان/ص ۵۳، ب ۹)

ب- ترکیب اضافی

ترکیب‌های اضافی متناقض، ۲۲ بار در آثار سنایی آمده است که ۱۷٪ درصد ترکیب‌ها و ۲٪ درصد تمام متناقض-نماهای او را تشکیل می‌دهد. از جمله‌ی این ترکیب‌ها می‌توان به لطفِ دشنام، چاهِ جاه، رجایِ خوف، خورشیدِ زمین، عیشِ مرگ، ملک الموتِ مرگ، صبحِ نیم‌شب و بعضی ترکیبات اضافی مقلوب مانند خویشتن دشمن اشاره کرد:

آتش بار و برگ باشد عشق ملک الموت مرگ باشد عشق
(حدیقه/ص ۲۳۵، ب ۷)

۳- متناقض‌نماهای قابل تأویل به ترکیب

در شعر سنایی، برخی عبارات یا جملات متناقض هست که می‌توان آن‌ها را به صورت ترکیب بیان کرد. این نوع متناقض‌نما در آثار سنایی معدودند و کمتر از ۱٪ درصد متناقض‌نماهای او را تشکیل می‌دهند. متناقض‌نمای موجود در این بیت را می‌توان به صورت ترکیب وصفی «مکان بی‌مکانی» هم بیان کرد:

۱۶ از ضمیرت دیده‌ام آن کزگر طاقی که هم آفرینش را مکان در بی‌مکانی آمده است
(دیوان/ص ۸۷، ب ۱)

۴- متناقض‌نماهای ساخته شده از یک عبارت

تعدادی از متناقض‌نماهای سنایی، به صورت عبارت هستند و گاهی به شکل مصدری، عطفی و یا متممی آمده‌اند. این نوع متناقض‌نماها، ۶۳ موردند که ۵٪ درصد کل متناقض‌نماهای سنایی هستند.

نکته و نظم سنایی نزد نادانان چنانک پیش کر بربط سرای و نزد کور آیینه دار
(همان/ص ۱۹۳، ب ۴)

زود بخش و سبک‌ستان فلک است پیر با طبع کودکان فلک است
(حدیقه/ص ۳۱۸، ب ۱۱)

الف- متناقض‌نماهای ساخته شده از یک عبارت مصدری

باهوای چشم رفتن در ره روحانیان در لباس دیو جستن رتبت روح الامین
(دیوان/ص ۵۵۵، ب ۷)

راه نیافته بیافتن است عشق بی خویشتن شتافتن است
(حدیقه/ص ۲۳۳، ب ۱۲)

ب-متناقض نماهای ساخته شده از یک عبارت عطفی

همچو آدم جوان کهل روان نه چو ابلیس تنش پیرو جوان
(همان/ص ۵۲۸، ب ۵)

پ-متناقض نماهای ساخته شده از یک عبارت متممی

هوش یار از باده و مسرت از می دنیا چه سود طیلسان فقر بر فرق چنین هشیار زن
(دیوان/ص ۴۸۱، ب ۳)

۵- متناقض نماهای ساخته شده با « و » مبیانت

واو مبیانت واوی است که بین دو کلمه یا عبارت می آید و بیان گر دوری و نوعی تقابل و ضدیت آنها نسبت به هم است،
مانند:

چه بود زین شنیع تر بیداد لحن داوود و کتر مادرزاد
(حدیقه/ص ۵۲۳، ب ۲۰)

۶-متناقض نماهای ساخته شده از یک جمله

نزدیک به ۷۹۳ مورد از متناقض نماهای سنایی، در قالب یک جمله بیان شده اند که ۶۴٪ درصد کل متناقض نماهای او را تشکیل
می دهند. مثال:

بی زبان گوش را خبر کرده بی بیان هوش و جان و دل برده
(سنایی آباد/ص ۶۳، ب ۱۳)

۷-متناقض نماهای ساخته شده از دو جمله و بیشتر

۱۹٪ در صد متناقض نماهای سنایی، یعنی ۲۳۰ مورد از آنها در قالب دو جمله و بیش تر آمده اند؛ مانند:

چون از آن اصل و مایه فرد شدم طفـل بـودم هنوز و مرد شدم
(سیرالعباد/ص ۲۱۴، ب ۷)

انواع متناقض نما از نظر ساختمان دستوری

اگر متناقض نماهای موجود در آثار سنایی را از نظر ساختمان دستوری نقیضین بررسی کنیم، بین دو طرف تناقض، یکی از حالت های زیر وجود دارد:

۱- تناقض نهاد با مفعول

می در نرسم در تو به صد حیل و افسون گویی قدم دولت من گام ندارد
(دیوان/ص ۸۴۷، ب ۱)

۲- تناقض نهاد با مسند

تیغ خشمش چون به زخم آید جهان گردد جدید لطف حلمش چون به کار آید حجر
گردد حریر

(همان/ص ۷۴۹، ب ۹)

۳- تناقض موصوف با صفت

چند کشی جان مرا در طلب بی طلبی چندزنی جان مرا از حزن بی حزن
(همان/ص ۶۹۸، ب ۵)

۴- تناقض مضاف با مضاف الیه

گرزچاه جاه خواهی تا برآیی مردوار چنگ در زنجیر گوهردار عنبربار زن
(همان/ص ۷۱۹، ب ۱۰)

۵- تناقض میان دو جمله

گرچه پیوسته است، بس دور است جان از کالبد و چه نزدیک است، بس دور است گوش از گوشوار

(همان/ص ۱۹۰، ب ۳)

انواع متناقض نما از نظر محتوا

متناقض نماهای سنایی از نظر محتوا و مفهوم متناقضی که دارند به دو دسته کلی معنایی و لفظی، تقسیم می شوند و هر یک از این دو نیز به دسته های دیگری تقسیم می شوند. بیش تر پارادوکس های به کار رفته در اشعار سنایی، از نوع معنایی است و کم تر از ده درصد آن ها، از نوع لفظی است.

۱- متناقض‌نماهای معنایی

متناقض‌نمای معنایی کلامی است که: «در ورای ظاهر عادی و مطابق عرف پذیرفته شده‌اش، حقیقتی مخالف با ظاهر آن نهفته است و ارائه‌ی این واقعیت‌ها چون با عرف و منطق عادی منافات دارد، در وهله‌ی اول متناقض به نظر می‌رسد» (وزیله، ۱۶۰). متناقض‌نماهای معنایی نشان‌دهنده‌ی مفاهیم متناقض هستند و تنها برای زیبایی‌آفرینی ساخته نشده‌اند. این نوع متناقض‌نما چون برخلاف عرف و عادت هستند «در برخورد اول تکان دهنده و عجیب به نظر می‌رسند ولی این شکست هنجارهای عرفی و منطقی، ذهن را به تأمل و جستجو وادار می‌کند و سرانجام منجر به دریافت این حقیقت می‌گردد که تناقضی در کار نیست و آنچه هست عین حقیقت است. بنابراین ذهن و نگاه ژرف‌اندیش و تیزبین است که می‌تواند پرده‌ی ظاهر عادت را کنار بزند و حقیقت پنهان را دریابد» (وحیدیان، ۱۳۷۴). با توجه به این‌که بیش‌تر متناقض‌نماهای سنایی، معنایی است، می‌توان آن‌ها را به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد؛ دسته‌ای که دارای کلمات متضاد هستند و دسته‌ای که بدون داشتن کلمات متضاد، در مفهوم آن‌ها تناقض وجود دارد.

الف- متناقض‌نماهای دارای کلمات متضاد

منظور از کلمات متضاد، کلماتی هستند که در جمله یا عبارت متناقض، نوعی تقابل بین آن‌ها هست و به عبارتی طرفین تناقض یا نقیضین هستند، حال ممکن است این دو نقیض در قالب ترکیب بیابند یا در قالب عبارت و یا جمله؛ مانند برگ بی‌برگی، طلب بی‌طلبی، در کفر ایمان داشتن، آبی که از آتش است و... .

ب- متناقض‌نماهای فاقد کلمات متضاد

در این دسته از متناقض‌نماها، تقابل و تضادی بین کلمات عبارت یا جمله نیست و تنها در مفهوم، تناقض وجود دارد. موضوع این نوع متناقض‌نماها در آثار سنایی، بیشتر عرفانی و فراعقلی است و مفاهیمی هم‌چون مرگ پیش از مرگ، در نیستی دم زدن، از خود آزاد شدن، جسم را طلاق دادن و... را شامل می‌شود.

۲- متناقض‌نماهای لفظی

همان‌گونه که قبلاً گفتیم در متناقض‌نمای لفظی کلمه‌ای می‌آید که از نظر ظاهر لفظ با بقیه‌ی جمله تناقض دارد اما وقتی به معنی و منظور آن دقت کنیم، دیگر تناقضی در کار نخواهد بود؛ مانند جمله‌ی معروف بایزید که گفته‌است: روشن‌تر از خاموشی چراغی ندیدم. بین روشن و خاموش تناقض وجود دارد اما وقتی به معنی کلمه‌ی خاموشی که سکوت است توجه کنیم، تناقض آن رفع خواهد شد. «در متناقض‌نمای لفظی، در معنی تناقضی وجود ندارد اما در آن الفاظی هست که در یک معنی با هم تناقض دارند و در معنی دیگر متناقض نیستند و تنها یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی و زیبایی‌آفرینی زبانی است و ربطی به مفاهیم متناقض ندارد» (وحیدیان، ۱۳۷۴). متناقض‌نماهای لفظی در کلام معمولاً بر پایه‌ی یکی از عناصر و یا آرایه‌های ادبی قرار دارند. در شعر سنایی، متناقض‌نماهای لفظی بر پایه‌ی یکی از آرایه‌های زیر بنا شده‌اند:

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

۱-۲- بر پایه ی تشبیه

در بیت زیر، زلف معشوق از نظر سیاهی، به کفری تشبیه شده است که از بین برنده ی کافران است! شاعر اگر زلف را به چیز دیگری مثلاً شب تشبیه می کرد، تناقض جمله رفع می شد:

نور رخ خوب تو، رونق مؤمن فزود کفر سرزلف تو، گردن کافر شکست

(دیوان/ص ۸۱۴، ب ۳)

۲-۲- بر پایه ی استعاره

در ابیات زیر، هر یک از واژه های نوبهار، صبح و خورشید به ترتیب، استعاره از چهره ی زیبای محبوب، نور معنوی و محبوب هستند:

خورشید هرکسی که شب آید فرو رود خورشید ما بر آید هرشب نماز شام

(همان/ص ۹۲۰، ب ۹)

۲۰

۲-۳- بر پایه ی مجاز

در بیت زیر، خار مجازاً به معنی بوته و شاخه است و با کلمه ی گل در تناقض است:

از اعتدال و تقویت طبع او زخاک صدبرگ گل بزاد زیک نوک تیزخار

(همان/ص ۲۲۹، ب ۳)

۴-۲- بر پایه ی کنایه

در مثال های زیر، کنایه هایی وجود دارد که متناقض هستند و اگر شاعر منظور واقعی خود را بی پرده بیان می کرد، تناقض آن ها از بین می رفت:

گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

(دیوان /ص ۵۱، ب ۱۱)

۵-۲- بر پایه ی اغراق

ای که تأثیر آب دولت تو گل اعدات خار خواهد کرد

(همان /ص ۱۳۱، ب ۲۱)

درساعتی دولیل بخیزد زیك نهار

(همان/ص ۲۳۲، ب ۲)

گر بنگرد به خشم سوی چرخ و آفتاب

مصراع های مشخص شده، آرایه های اغراق دارند که متناقض نیز هستند.

۲-۶- بر پایه ی ایهام

از آن جا که آرایه ی ایهام، بر پایه ی وجود معانی متعدد در یک کلمه استوار است، گاهی می تواند زمینه ای برای ایجاد متناقض نمای لفظی باشد. در این مثال از سنایی، کلمه ی کهن به معنی کهن سال و قدیمی، با نو تناقض دارد اما در معنی با تجربه، متناقض نیست:

تن او نو و جان کهن در وی

صورتش خامش و سخن در وی

(حدیقه/ص ۳۳۰، ب ۲۴)

انواع متناقض نما از نظر ماهیت نقیضین

متناقض نماهای معنایی در شعر سنایی از نظر ماهیت و چگونگی نقیضین، یکی از حالت های زیر را دارند:

الف- حسّی بودن هر دو نقیض

در مثال های زیر به ترتیب، صبح و شب، گلخن و گلشن و آسمان و زمین، محسوس هستند:

کلک او دورزمان را هم صباح وهم مسا

ملک اوارباب دین را هم صلاح و هم سلاح

(دیوان/ص ۴۵، ب ۶)

ب- عقلی بودن هر دو طرف

در این بیت ها به ترتیب، وصل و هجران، شفا و الم و یقین و شک، غیر محسوس و عقلی هستند:

نیست شو در راه تاهم وصل وهم هجران بود

تاکی اندر انجمن دعوی زهجر و وصل یار

(همان/ص ۱۶۸، ب ۲)

پ- یکی حسّی و دیگری عقلی

اما در مثال های زیر، کلمات جسم، بساط و چاه، محسوسند ولی واژه های جان، نیستی و جاه، عقلی هستند:

قدم زین هردو بیرون نه، نه این جا باش نه آن جا

مکن در جسم و جان منزل، که این دون است و آن والا

(همان/ص ۵۱، ب ۹)

بررسی آماری انواع متناقض‌نما در آثار سنایی

دیوان

بزرگ‌ترین اثر سنایی، دیوان اوست که نزدیک به ۱۴۰۰۰ هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات، ترجیعات و ترکیبات، قطعات، رباعیات، مسمّطات و اشعار پراکنده می‌شود. بیش‌ترین حجم متناقض‌نماهای سنایی، یعنی ۶۳۶ مورد، در دیوان قرار دارد. از این تعداد، ۴۹۹ مورد (۷۸٪) دارای موضوع عرفانی و تعداد ۱۳۷ مورد (۲۲٪) غیر عرفانی است. ۳ مورد از متناقض‌نماهای دیوان، یعنی کمتر از نیم درصد آن‌ها، کلمات مرکب؛ ۶۷ مورد (۱۱٪) ترکیب متناقض که از این تعداد ۵۵ مورد (۹٪) ترکیب وصفی و ۱۲ مورد (۲٪) ترکیب اضافی است؛ ۲۵ مورد (۴٪) به‌صورت عبارات متناقض؛ ۳۸۶ مورد (۶۱٪) در قالب یک جمله و ۱۵۵ مورد (۲۴٪) به‌صورت دو جمله و بیشتر آمده‌اند.

حدیقه الحقیقه

حدیقه الحقیقه، یا الهی‌نامه یا فخری‌نامه، از مهمترین مثنوی‌های سنایی است که تعداد ابیات آن در نسخه‌های مختلف از حدود پنج هزار بیت تا حدود دوازده هزار بیت متفاوت است. در این پژوهش، تعداد ۴۱۰ مورد پارادوکس در این کتاب، شمارش شده که ۳۶۰ مورد آن (۸۸٪) عرفانی و مابقی (۱۲٪)، غیر عرفانی است. همچنین، از این تعداد، ۸ مورد (۲٪) کلمات مرکب؛ ۴۳ مورد (۱۱٪) ترکیب متناقض که ۳۶ مورد آن (۹٪) ترکیب وصفی و ۷ مورد (۲٪) ترکیب اضافی است؛ ۱۸ مورد (۴٪) عبارات پارادوکسی؛ ۲۹۱ پارادوکس یک‌جمله‌ای (۷۱٪) و ۵۰ پارادوکس (۱۲٪) به‌صورت دو جمله و بیشتر دیده می‌شود.

سیر العباد الی المعاد

سیرالعباد الی المعاد، منظومه‌ای است رمزی و عرفانی که در آن نوعی سفر به عالم روحانیان بیان شده و متجاوز از هفتصد بیت است. در این کتاب، تعداد ۵۲ مورد متناقض‌نما یافت شده که همه دارای موضوع عرفانی هستند. از این مقدار، ۹ مورد (۱۷٪) به‌صورت ترکیب (۸ ترکیب وصفی و ۱ ترکیب اضافی)؛ ۱۴ مورد (۲۷٪) به‌شکل عبارت؛ ۲۰ مورد (۳۹٪) پارادوکس یک‌جمله‌ای و ۹ مورد (۲۷٪) دو جمله و بیشتر هستند. در این مثنوی، هیچ کلمه‌ی مرکب متناقضی یافت نشد.

کارنامه‌ی بلخ

کارنامه‌ی بلخ یا مطایبه‌نامه، منظومه‌ی کوتاهی است در حدود پانصد بیت که سنایی به هنگام اقامت در بلخ سروده و در آن به گوشه‌هایی از زندگی خویش و پدرش و بعضی از معاصرانش پرداخته است. در این مثنوی، تنها ۱۰ مورد متناقض‌نما یافت شده که همه غیر عرفانی هستند. در این پارادوکس‌ها، کلمه‌ی مرکب و ترکیب اضافی دیده نمی‌شود اما ۴ ترکیب وصفی (۴۰٪)؛ ۱ عبارت متناقض (۱۰٪)؛ ۴ جمله‌ی متناقض (۴۰٪) و ۱ پارادوکس دو جمله‌ای (۱۰٪) در آن‌ها وجود دارد.

تحریمه القلم

تحریمه القلم، مثنوی کوتاهی است در حدود صد بیت که خطاب به قلم سروده و سپس وارد بعضی از مسائل عرفانی می‌شود. در این مثنوی ۱۲ پارادوکس شمارش شده که همه دارای موضوع عرفانی هستند. در این مجموعه، ۱ کلمه مرکب متناقض (۸٪)؛ ۲ ترکیب اضافی (۱۷٪)؛ ۱ عبارت متناقض (۸٪)؛ ۶ پارادوکس یک‌جمله‌ای (۵۰٪) و ۲ پارادوکس دو جمله‌ای (۱۷٪) وجود دارد.

طریق التحقیق

مرحوم مدرس رضوی، این مثنوی را در زمره آثار سنایی آورده است و تعداد ابیات آن را ۸۷۳ بیت ذکر کرده است اما با تحقیقاتی که در سال‌های اخیر انجام گرفته است، در انتساب آن به سنایی تردید وجود دارد؛ در این مجموعه، جمعاً ۳۸ مورد متناقض‌نما یافت شده که تماماً عرفانی هستند. ۲ مورد (۵٪) از پارادوکس‌های این مثنوی، کلمات مرکب، ۲ مورد (۵٪) ترکیب وصفی، ۱ مورد (۳٪) عبارت متناقض، ۲۹ مورد (۷۶٪) پارادوکس یک‌جمله‌ای و ۴ مورد (۱۱٪) پارادوکس دو جمله‌ای هستند.

عقل‌نامه

این مثنوی کوچک نیز منسوب به سنایی است و ۱۹۵ بیت دارد. کم‌ترین تعداد پارادوکس با ۷ مورد، در این مجموعه شمارش شده است که ۵ مورد آن (۷۱٪) عرفانی و ۲ مورد (۲۹٪) غیر عرفانی است. ۲ مورد این پارادوکس‌ها (۲۹٪) به شکل عبارت و ۵ مورد بقیه (۷۱٪) در قالب جملات متناقض (یک‌جمله‌ای) هستند. در بین متناقض‌نماهای این مجموعه، کلمات و عبارات متناقض و نیز متناقض‌نمای دو جمله‌ای، دیده نمی‌شود.

عشق‌نامه

این مثنوی، ۵۷۶ بیت دارد و منسوب به سنایی است. در این مثنوی، ۳۲ پارادوکس شمارش شده که همه، عرفانی هستند. در این مجموعه، ۱ (۳٪) کلمه مرکب، ۱ (۳٪) ترکیب وصفی، ۱ (۳٪) عبارت، ۲۷ (۸۴٪) پارادوکس یک‌جمله‌ای و ۲ (۶٪) دو جمله‌ای، دیده می‌شود.

سنایی آباد

آخرین مثنوی منسوب به سنایی، سنایی آباد نام دارد. این مجموعه که ۵۹۶ بیت دارد، دارای ۳۶ مورد پارادوکس است که همه عرفانی هستند. در میان این متناقض‌ها، ۴ ترکیب وصفی (۱۱٪)، ۲۵ متناقض‌نمای یک جمله‌ای (۷۰٪) و ۷ متناقض‌نمای دو جمله‌ای (۱۹٪) دیده می‌شود. در بین پارادوکس‌های این مثنوی، کلمه مرکب، ترکیب اضافی و عبارت متناقض دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

سنایی، حکیم و عارف بزرگ ایرانی، اولین کسی است که مفاهیم بلند عرفانی را وارد شعر فارسی کرد. او همچنین مبدع سبکی خاص در شعر عرفانی است که به شعر قلندری یا مغانه معروف شده است. از آن‌جا که تجربیات عرفا، پیچیده، متناقض و مربوط به دنیای ماورای ماده است، بیان آن تجربه‌ها نیز پر از ابهام و تناقض است. منظور از تناقض، تناقضی نیست که در علم منطقی در مورد آن بحث می‌کنند بلکه نوعی از کلام متناقض است که قابل توجیه و تفسیر است و در اصطلاح، به آن متناقض‌نما می‌گویند.

با بررسی اشعار سنایی، به موارد زیادی از سخنان متناقض‌نما برمی‌خوریم که تا زمان او، در شعر فارسی بی‌سابقه است و می‌توان گفت که سنایی اولین شاعری است که این‌گونه سخنان را در شعر فارسی وارد کرده است. شیوه و شکل استفاده از پارادوکس در آثار سنایی، بسیار متنوع است و می‌توان گفت که متناقض‌نمایی، ویژگی سبکی سنایی است. در این تحقیق تمام آثار سنایی مورد مطالعه قرار گرفته و بیش از ۱۲۰۰ مورد، سخنان متناقض‌نما، در قالب کلمه، عبارت و جمله استخراج و یادداشت شده است. از این تعداد ۶۳۶ مورد (۵۲٪) در دیوان، ۴۱۰ مورد (۳۳٪) در مثنوی حدیقه و ۱۸۷ مورد (۱۵٪)، در دیگر مثنوی‌های او دیده می‌شود. همچنین تعداد متناقض‌نماهایی که به شکل کلمه‌ی مرکب، ترکیب، عبارت، یک‌جمله‌ای و دو جمله‌ای آمده است، به ترتیب ۱۵ (۱٪)، ۱۳۲ (۱۱٪)، ۶۳ (۵٪)، ۷۹۳ (۶۴٪) و ۲۳۰ (۱۹٪) مورد است. البته ۱۱۰ مورد از ترکیبات سنایی، وصفی و تنها ۲۲ مورد آن‌ها، اضافی است که به ترتیب ۹٪ و ۲٪ کل پارادوکس‌های او را تشکیل می‌دهد.

۲۴

بسیاری از این سخنان، ساخته‌ی ذهن خلاق سنایی است و پس از او بارها در شعر دیگران، تکرار شده است. می‌توان موضوع متناقض‌نماهای سنایی را به دو دسته‌ی کلی عرفانی و غیرعرفانی تقسیم کرد. بیش از هزار مورد از آن‌ها دارای مضمون عرفانی (۸۱٪) و مابقی (۱۹٪) غیر عرفانی هستند.

از مهم‌ترین عوامل و دلایل شکل‌گیری مفاهیم متناقض در شعر سنایی، می‌توان زبان شعر (که لازمه‌ی آن بیان متناقض است)، تحول و تکامل ادبیات و شعر، محدودیت حوزه‌ی کارایی زبان، بیان مسائل عرفانی و فراعقلی، بیان مسائل عاشقانه، اوضاع سیاسی-اجتماعی روزگار، تأثیر گرفتن از فرهنگ عامه، تأثیر گرفتن از اندیشه‌های ملامتی و قلندری، دوگانگی ذات انسان و اجتماع و شخصیت پیچیده‌ی سنایی را نام برد.

فهرست منابع

- چناری، امیر (۱۳۷۷)، متناقض‌نمایی در شعر فارسی، تهران، انتشارات فرزانه‌روز.
- چهری، طاهره و دیگران (۱۳۹۲)، تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی در شعر سنایی، «نشریه‌ی پژوهش‌های ادب عرفانی»، سال هفتم، شماره‌ی ۲، پیاپی ۲۵، صص ۱۴۱-۱۵۸.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

- دوبروین، جی. تی. پی (۱۳۷۵)، قلندریات در شعر عرفانی فارسی از سنایی به بعد، ترجمه‌ی هاشم بناءپور، «فصل‌نامه‌ی معارف»، شماره‌ی ۱، دوره‌ی سیزدهم، صص ۱۱۹-۱۰۵.
- دیچز، دیوید (۱۳۶۶)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه‌ی دکتر غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران، انتشارات علمی.
- راستگو، سیدمحمد (۱۳۸۲)، هنر سخن آرایبی (فن بدیع)، تهران، انتشارات مرسل.
- _____ (۱۳۶۸)، خلاف‌آمد، «کیهان فرهنگی»، شماره ۹، صص ۳۱-۲۹.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، سنایی و سنت غزل عرفانی، «شوریده‌ای در غزنه»، مجموعه مقالات همایش بازشناسی اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی، تهران، انتشارات سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵)، شوریده‌ای در غزنه، «شوریده‌ای در غزنه»، مجموعه مقالات همایش بازشناسی اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی، تهران، انتشارات سخن.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۶)، تعمیم صنعت طباق یا استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی، «ذکر جمیل سعدی»، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سال‌گرد تولد شیخ اجل سعدی، ۳ جلد، ج ۲، تهران، اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۸۷)، حدیقه الحقیقه، تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات نگاه.
- _____ (۱۳۸۸)، دیوان، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ هفتم.
- _____ (۱۳۴۸)، مثنوی‌های حکیم سنایی، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۰)، تازیانه‌های سلوک، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم.
- _____ (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، نقد ادبی، تهران، انتشارات میترا، چاپ دهم.
- عبیدی‌نیا، محمد امیر و علی دلانی میلان (۱۳۸۸)، بررسی تقابل‌های دوگانه در ساختار حدیقه سنایی، «فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش زبان فارسی»، شماره‌ی سیزدهم، صص ۴۲-۲۵.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

-فضیلت، محمود (۱۳۹۲)، بنیان‌های معرفت‌شناسانه و ادبی در ناهمخوان‌نماهای سنایی، «پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی»، شماره ۲۶، صص ۳۳-۵۶.

-فولادی، علیرضا (۱۳۸۷)، زبان عرفان، تهران، نشر فراگفت.

-گلی، احمد و سردار بافکر (۱۳۸۷)، متناقض‌نمایی (پارادوکس) در شعر صائب، «فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های ادبی»، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۳۱-۱۵۹.

-مدرسی، فاطمه (۱۳۷۷)، سیری در آثار و اندیشه‌های سنایی، «مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران»، شماره ۱۴۶ و ۱۴۷، صص ۱۴۰-۱۵۲.

_____ و طاهر لاوژه (۱۳۸۸)، شطحیات سنایی، «ثنا‌ی سنایی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حکیم سنایی، تهران، انتشارات الزهرا و خانه‌ی کتاب.

_____ و الناز ملکی (۱۳۸۷)، متناقض‌نمایی در شعر فروغ فرخزاد، «فصل‌نامه‌ی ادبیات فارسی»، شماره ۱۱، صص ۱۷-۱.

۲۶

-مرتضایی، جواد (۱۳۸۵)، نقد و تحلیل پارادوکس در روند و سیر تاریخی و بلاغی، «مجله‌ی علمی _ پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان»، دوره‌ی دوم، شماره‌ی چهارم و هفتم، صص ۲۱۷-۲۳۵.

-میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶)، واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، تهران، انتشارات کتاب مهناز، چاپ دوم.

-وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۶)، بدیع‌ازدیدگاه زیبایی‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.

_____ (۱۳۷۴)، متناقض‌نمایی در ادبیات، «مجله‌ی ادبیات دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد»، شماره ۲۸، صفحات ۲۷۱-۲۹۴.

-وزیله، فرشید (۱۳۸۶)، متناقض‌نما در غزلیات حافظ، «مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۷، صص ۱۷۲-۱۴۹.

Hakim sanai ghaznavids, as we enter the mystical themes, Zohdiyat, Qlandriyat, sonnets into poem and creation of new style in Persian poetry, also is the first poet who wrote enormous quantity of paradoxically concepts and images. In this study that is the first complete and independent research about paradoxically in Sanai's works including: His Divan, Hadiqa Masnavi and his other Masnavies more than the other works that aren't surely ascribed to Sanai have exactly been investigated and all of the contradictory cases are extracted. Then those contents of different views was evaluated and divided.

The largest number of conflicting views in Sanai's works are seen first in Divan and second in Hadiqa and There Are Fewer number in his other works. His contradictions are mostly paranormal and mystical concepts (more than 80%), and small percentage of them are non-mystical. Most of his paradoxes have been cited in sentences and fewer percentage are phrases and compounds. His paradoxes regarding the content and meaning of words is divided into two semantic and rhetorical categories that more than 90% of those are semantic and small percentage are rhetorical.

Key words: Sanai, paradox, paradoxically, concepts and images paradoxically